

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: توماس روپر
ویراستاری، افزوده و ارسال: علی مشرف
۰۷ اگست ۲۰۲۳

پولیتیکو:

دعوا در نیجر واقعاً در مورد چیست و چرا احتمال مداخله نظامی وجود دارد.



در گزارش‌های رسانه‌های آلمانی درباره کودتا در نیجر، تمرکز اصلی بر لزوم حفاظت از دموکراسی در این کشور در برابر کودتاچیان است. این توجیهی برای "مردم احمق" است، زیرا دموکراسی در آنجا مطرح نیست. این در مورد اورانیوم است که گاهی اوقات حتی توسط رسانه‌های آلمانی مورد مناقشه قرار می‌گیرد، زیرا نیجر به مراتب بزرگترین تولیدکننده اورانیوم در جهان نیست.

با این حال، همانطور که توسط نظر یک متخصص انرژی منتشر شده در پولیتیکو نشان داده شده است، همه چیز به این سادگی نیست. این نشان می‌دهد که مشکل واقعی کجاست، در مقاله [اصلی](#)، لینک ها و گرافیک‌های زیادی نیز به عنوان منابع آورده شده است که ارزش خواندن را دارند.

دست درازشده کرم‌لین و سیاست اورانیوم

باخت احتمالی اروپا پس از کودتا در نیجر، امتیازی برای پوتین است.

شهر آرلیت، یک شهرک متروکه در لبه جنوبی صحرا، پیوند نامحتمل یک درگیری ژئوپلیتیکی جدید است: مبارزه برای کنترل اورانیوم، سوخت صنعت هسته‌ای.

در آنجا، در رشته کوه های خشک شمال نیجر، زمین شناسان فرانسوی این ماده معدنی رادیواکتیو را در دهه ۱۹۵۰ کشف کردند. از آن زمان، شرکت های دولتی فرانسه آن را در مستعمره سابق خود حفر کردند و نیجر را به هفتمین تولیدکننده بزرگ در جهان تبدیل کردند. در سال ۲۰۲۲، معادن اطراف آرلیت ۲۵ درصد از کل واردات اورانیوم اتحادیه اروپا را تشکیل می دادند.

یک کودتا در کشور فقیر غرب آفریقا این واردات را به خطر انداخته است.

این کالا ممکن است مانند نفت، گاز یا حتی زغال سنگ سر فصل اخبار نباشد، اما برای جهانی که نیاز مبرمی به انرژی کربن صفر دارد، حیاتی است.

در حالی که به نظر نمی رسد کرملین مستقیماً پشت کودتا باشد، اما ماشین تبلیغاتی آن احساسات ضد فرانسوی و ضد امریکائی را در سراسر منطقه جنوب صحرای ساحل تقویت کرده است. جای تعجب نیست که این منطقه از سال ۲۰۲۰ شاهد یک رشته انقلاب کاخ از جمله در بورکینافاسو، چاد، گینه، مالی و سودان بوده است.

در نیامی، پایتخت، کودتاچیان پرچم روسیه را به اهتزاز درآوردند تا امپریالیسم فرانسه را محکوم کنند. یوگنی پریگورین، رئیس گروه شبه نظامی روسی واگنر، از تسلط نظامیان استقبال کرد. پس از کودتا در کشور همسایه مالی، واگنر در حال حاضر در آنجا فعال است. بازوی دراز کرملین به طرق مختلف در ژئوپلیتیک انرژی دخالت می کند - اگر چه نه همیشه کاملاً آشکارا.

اگر نیجر وارد مدار روسیه شود، جهان برای انرژی هسته‌ای بیشتر به مسکو - و مشتریان - وابسته می‌شد. قزاقستان و ازبیکستان، دو جمهوری شوروی سابق، از بزرگترین تولیدکنندگان اورانیوم در جهان هستند و حدود ۵۰ درصد اورانیوم استخراج شده در سراسر جهان را تأمین می کنند. اگر روسیه و نیجر را در نظر بگیرد، این سهمیه به بیش از ۶۰ درصد افزایش می یابد.

اورانیوم تازه آغاز چرخه سوخت هسته‌ای است. در حالی که روسیه ششمین تولید کننده بزرگ اورانیوم در جهان است، قدرت واقعی آن در جای دیگری از چرخه نهفته است: در تبدیل مواد خام به سوخت قابل استفاده برای راکتورهای غیرنظامی از طریق آنچه به عنوان تبدیل و غنی سازی شناخته می شود.

بر اساس گزارش انجمن جهانی هسته‌ای، روسیه تقریباً ۴۵ درصد از بازار جهانی تبدیل و غنی سازی اورانیوم را در اختیار دارد. این کیفیت پر توان یک "آسیب پذیری استراتژیک" ایجاد کرده است که مقامات امریکائی اخیراً آن را "غیرقابل کنترل" خوانده اند. حدود یک سوم کل اورانیوم غنی شده مصرف شده توسط شرکت های آب و برق ایالات متحده در سال گذشته از روسیه وارد شده است، با هزینه ای نزدیک به یک میلیارد دلار که به شرکتی که مستقیماً تحت کنترل کرملین است پرداخت شد. با گذشت بیش از یک سال از حمله روسیه به اوکراین، واشنگتن هنوز واردات سوخت هسته‌ای روسیه را ممنوع نکرده است.

امریکا در ۵۰ سال اول عصر هسته‌ای مستقل بود، اما با پایان جنگ سرد، استخراج اورانیوم و مهمتر از همه، فرآیندهای پیچیده تبدیل و غنی سازی تا حد زیادی متوقف شد. به گفته جان واگنر، مدیر آزمایشگاه ملی آیداهو در وزارت انرژی ایالات متحده، امروزه ایالات متحده تا حد زیادی به منابع بین المللی سوخت هسته‌ای وابسته است، از جمله کشورهایی که با ما هم نظر نیستند و منافع متفاوتی دارند.

تسلط روسیه بر صنعت سوخت هسته‌ای آمیزه ای از شانس زمین شناسی، نوآوری فنی و یک توافق دیپلماتیک با نیت خوب است که مسکو و واشنگتن بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی منعقد کردند.

اول این که روسیه دارای ذخایر اورانیوم است که به آن نقش طبیعی در این صنعت می دهد. از سوی دیگر، مهندسان روسی سیستمی برای غنی سازی مواد رادیواکتیو ایجاد کردند که به طور قابل توجهی انرژی کمتری برای غنی سازی نسبت به روشی که مهندسان فرانسوی و امریکائی استفاده می کنند لازم دارند و در نتیجه بسیار ارزان تر آن را ارائه می کنند. این عوامل به تنهایی نقش مهمی در استخراج، تبدیل و غنی سازی روسیه ایفاء می کرد. سپس، در سال ۱۹۹۳، ایالات متحده و روسیه در مورد برنامه موسوم به “مگاتون به مگاتون” به توافق رسیدند که در آن اورانیوم بسیار غنی شده از کلاهک های هسته نی شوروی سابق به اورانیوم با غنای پائین تبدیل می شد و به نیروگاه های هسته نی غیرنظامی ایالات متحده ارسال می شد. (!!! تأکید از مترجم فارسی) به طور خلاصه، صنعت ایالات متحده نمی توانست با روس ها رقابت کند و به آرامی در سمت بی علافگی کاخ سفید دموکرات و جمهوری خواه رفت و در حال مرگ بود. حتی قبل از حمله به اوکراین، صنعت هسته نی امریکا به دلیل وابستگی به منابع خارجی زنگ خطر را به صدا در آورد. از آن زمان، مدیران اجرائی و دولتمردان از بحران صحبت می کنند. مشکلات در نیجر را به آن اضافه کنید و این وضعیت بیشتر شبیه یک وضعیت اضطراری به نظر می رسد.

با این حال، حل مشکل آسان نخواهد بود و به همکاری فشرده بین ایالات متحده و فرانسه نیاز دارد – از قضا دو قدرت غربی که بیشترین سهم را در نیجر دارند.

واشنگتن و پاریس می توانند با راه اندازی مجدد نیروگاه های سوخت هسته ای از کار افتاده و افزایش حمایت دیپلماتیک و نظامی از کشورهای تولیدکننده اورانیوم، از نیجر، طرحی برای افزایش تولید داشته باشند. تلاش ها ارزان نخواهد بود. اما با توجه به این که ولادیمیر پوتین نشان داده است که مایل به استفاده از سوخت های فسیلی مانند نفت و گاز به عنوان سلاح است، غرب باید قبل از این که کرمین تصمیم بگیرد حتی استفاده صلح امیز از اورانیوم را به عنوان سلاحی که انتقال به انرژی کربن صفر را حتی دشوارتر می کند، اقدام کند.

* - اولین بار در ۵ اگست ۲۰۲۳ در پورتال رسانه نی **آنتی شیبیگل** منتشر شد.

** - توماس روپر ناشر و مجری وبلاگ وب سایت آنتی شیبیگل است.

افزوده فرستنده:

به نظر من مطلب حاضر عمدتاً اهمیت ستراتیژیک اقتصادی نیجر و کودتائی را که باعث تغییر رژیم آن کشور شده، در نظر گرفته است بدون آن که رابطه اش را با وضعیت فعلی جهان از لحاظ سیاسی و جنگی را که هم اکنون بین ناتو و روسیه در اوکراین ادامه دارد در آن مطرح نماید.

هرگاه این کودتا واقعاً همان طوری که رسانه ها و مقامات غربی ادعا دارند به هدایت و حمایت روسیه صورت گرفته باشد، واضح است که روسیه از این حرکت نه تنها می خواهد یکی از منابع قدرت هسته نی غرب را در کل بخشکند، بلکه با جلب توجهات بیشتر ناتو بدان سمت، فشاری را که بالایش از بابت جنگ اوکراین وجود دارد نیز کاهش دهد.

عکس قضیه هرگاه کودتا به دوام کودتا های کشور های همسایه به منظور کاستن وابستگی به غرب بدون حمایت و نظر روسیه از طرف نیروهای ضد غربی صورت گرفته باشد و غرب بخواهد با پیوند دادن آن به روسیه، برای روسیه در گوشه دیگری از جهان جبهه جنگی باز کند، واضح است که در آن صورت هدف شان تزئید فشار دو جنگ بر روسیه به منظور کاهش توانمندی های روسیه می باشد.

آنچه کاملاً واضح است هرگاه روسیه نتواند متحد توانمندی چون الجزایر و دو کشور دیگر همسایه نیجر، یعنی مالی و بوریونوفاسو را در قبال تحرکات و مداخلات احتمالی "اکواس" با خود همراه سازد و بخواهد به تنهایی به دفاع از نیجر اقدام نماید، نه تنها خود در اقدامش ناکام خواهد ماند بلکه نفوذ گسترده و وسیعی را که چین در منطقه به دست آورده نیز زیر سؤال خواهد برد.

برای این که حکم شود که ناتو باز به مانند جنایاتی که در لیبیا انجام داد و قذافی و نظامش را یکجا با لیبیا به نابودی سوق داد، در مورد نیجر نیز به چنان اقدامی دست خواهد یازید، هنوز خیلی زود است چه گذشته از مشکلات ناتو و مصروفیتش در اوکراین، تا جائی که دیده می شود اوضاع جهانی که زمینه نابودی لیبیا و قذافی را مساعد ساخت نیز به مانند سال ۲۰۱۱ نمی باشد و به احتمال اغلب هر نوع مداخله مسلحانه "ناتو" و یا "اکواس" به مثابه چماق افریقائی ناتو با عکس العمل سه کشور همسایه و روسیه و احتمالاً چین نیز مواجه خواهد شد.

علی مشرف